خاطراتی از شهید احمد کرمی در گفت‌وگوی «جوان» با همرزمانش

جای سفر حج، داوطلبانه عازم لبنان شد

شهید کرمی نفر اول سمت راست

■ علیرضا محمدی

حال و هوای رزمندگان شهرستان قروه در دوران دفاع مقدس دیدنی بود. این شهر که از معدود شهرهای شیعه‌نشین استان کردستان است، به مردمانی مدافع انقلاب اسلامی شهره است. رزمندگان این شهر کنار دیگر رزمندگان خطه کردستان اعم از شیعه و سنی، دوشادوش همدیگر در برابر ضد انقلاب و دشمن بعثی جنگیدند و شهدایی نیز تقدیم کردند. شهید احمد کرمی از جمله شهدای شهرستان قروه است که سال ۱۳۴۵ در روستای سریش آباد متولد شد. او پس از حضور در جبهه‌های دفاع مقدس سال ۶۵ به شهادت رسید و پیکرش پس از ۱۱ سال مفقودی به خانه بازگشت. متن زیر در گفت‌وگو با همرزمان این شهید تهیه شده و در گردآوری این مطالب آقای رضا رستمی از فعالان فرهنگی استان کردستان ما را یاری رسانده است.

■■■

محمد مؤمنی همرزم شهید

■ **رزمنده کوچک**

شهید کرمی انسان متین و موقری بود. من از پدر ایشان شنیدم این اخلاق را از کودکی داشت و از همان زمان بسیار مؤدب، متواضع و باهوش بود. ایشان متولد سال ۴۵ بود و زمان انقلاب تنها ۱۲ سال داشت، اما از همان موقع علاقه عجیبی به امام خمینی پیدا و این عشق او را وارد جریان انقلاب و دفاع مقدس کرد. تا جایی که من اطلاع دارم شهید کرمی از سن ۱۴ سالگی مدرسه را رها کرد و وارد میدان نبرد شد. این را هم بگویم که زمان جنگ محل زندگی ما در کردستان خودش منطقه عملیاتی محسوب می‌شد و ما سال‌ها همراه خانواده‌مان در شرایط جنگی حضور داشتیم. شهید کرمی یک‌سال بعد از حضور در جبهه، سال ۶۰ به عضویت سپاه درآمد و از همان زمان تا شهادتش که سال ۶۵ بود، دائماً رخت رزم به تن داشت و با دشمن می‌جنگید.

■ **حضور در لبنان**

یک نکته جالب در زندگی جهادی شهید کرمی حضور ایشان در لبنان است. سال ۱۳۶۴ طی نامه‌ای که به سپاه شهرستان قروه آمد، اعلام شد سه نفر می‌توانند داوطلبانه به لبنان اعزام شوند. احمد داوطلب شد برود. او رزمنده‌ای مکتبی بود و هر جا که به وجود رزمندگان نیاز بود، داوطلب می‌شد تا آنجا حاضر شود. چه در جبهه جنگ با ضد انقلاب چه در نبرد با دشمن بعثی یا اعزام به لبنان، همیشه پیشقدم می‌شد و داوطلبانه به دل خطر می‌رفت. احمد چند ماهی به لبنان اعزام شد و در پرونده جهادی‌اش حضور در جبهه مقاومت را هم به ثبت رساند. بعدها فهمیدیم شهید کرمی قرار بود در همان ایام به سفر حج مشرف شود اما چون حضور در جهاد را مقدم می‌دانست، از سفر حج انصراف داد و داوطلبانه به لبنان رفت. سپس به ایران بازگشت و مجدداً در جبهه‌ها حاضر شد.

اصغر ضیایی همرزم شهید

■ **نماز در میدان جنگ**

جهاد شهید کرمی تنها مربوط به خطه کردستان و مبارزه با ضد انقلاب نمی‌شد. ایشان در جبهه‌های دفاع مقدس و رویارویی با دشمن بعثی هم بسیار فعال بود. یک نمونه آن حضور در عملیات کربلای یک و آزادسازی مهران بود. این عملیات منجر به عقب‌نشینی دشمن و آزادی شهر مهران شد، اما دشمن مجدداً پاتک سنگینی زد تا بتواند مهران را دوباره اشغال کند. روز پاتک دشمن از هر طرف گلوله می‌بارید و بچه‌های رزمنده هم با دشمن مقابله می‌کردند. در اوج درگیری دیدم یک نفر مشغول نماز است. جلوتر رفتم و دیدم احمد کرمی است. بعد از پایان نمازش از او پرسیدم احمد جان الان و زیر آتش دشمن چه وقت نماز است. نگاهی به من انداخت و گفت: «اصلاً جنگ ما به خاطر دین و نماز است. مگر نه اینکه این همه شهید داده‌ایم تا از کیان اسلام و کشورمان دفاع کنیم؟ مگر نه اینکه امام حسین(ع) در ظهر عاشورا، نمازش را ترک نکرد. پس اگر این نماز نباشد، دفاع و جنگ و جهاد هم معنای خودش را از دست می‌دهد.»

■ **شوق خدمت در سپاه**

شهید کرمی عاشق خدمت در لباس پاسداری بود. این را همه همرزمانش می‌دانستند. حتی وقتی اداره اطلاعات در شهرستان قروه تشکیل شد، چون احمد در واحد اطلاعات سپاه فعالیت داشت از او خواستند تا به اداره اطلاعات برود و آنجا به خدمتش ادامه بدهد، اما شهید گفته بود من حتی یک لحظه نمی‌توانم از سپاه جدا شوم. مادر شهید هم روایت می‌کرد که هر وقت احمد از جبهه به خانه برمی‌گشت، به سپاه منطقه می‌رفت و به همکارانش سر می‌زد و نمی‌توانست از محیط آنجا و دوستانش جدا شود. مادر شهید می‌گفت احمد اوایل ماهی دو، سه هزار تومان بیشتر حقوق نمی‌گرفت، ولی تنها بخشی از این حقوق را خرج خود و خانواده‌اش می‌کرد. یک‌بار که از او پرسیدم چقدر حقوق می‌گیری و با حقوقت چه کار می‌کنی؟ گفت نگران نشو مادر جان من این پول را در راه خیر خرج می‌کنم. بعد گفت: «بعضی از نیروهای ضدانقلاب که اسیر ما می‌شوند، واقعاً از نظر مالی مشکل دارند. به آنها کمک می‌کنم!»

شهید کرمی حتی در خصوص دشمنانش هم با جوانمردی رفتار می‌کرد و بخشی از حقوقش را به ضد انقلابی می‌داد که فقیر بودند و با این کار باعث می‌شد خیلی از آنها از رفتارشان پشیمان شوند و به جبهه اسلام بپیوندند.

یکی از همرزمان هم تعریف می‌کرد در مأموریتی یکی از فرماندهان ضد انقلاب را اسیر کردیم. وقتی اسیر را به پشت جبهه منتقل کردیم، یکی از بچه‌ها می‌خواست خودش این فرمانده ضد انقلاب را اعدام کند اما شهید کرمی مانع شد و گفت این شخص الان اسیر ماست و تکلیف او را دادگاه مشخص می‌کند و تا من هستم اجازه نمی‌دهم رفتار ناشایستی با یک اسیر صورت بگیرد.

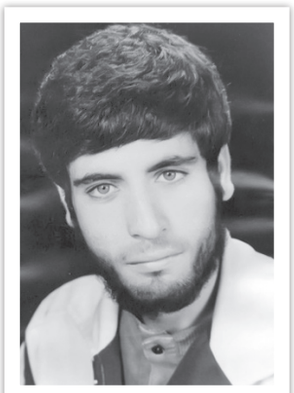

> در اوج درگیری دیدم یک نفر مشغول نماز است. جلوتر رفتم و دیدم احمد کرمی است. بعد از پایان نمازش از او پرسیدم احمد جان الان و زیر آتش دشمن چه وقت نماز است. گفت اصلاً جنگ ما به خاطر دین و نماز است

قربانعلی حاجیان همرزم شهید

■ **ساقی تشنگان**

من و شهید علی اسفندیاری در منطقه مهران برای شناسایی رفته بودیم. در راه با شهید احمد کرمی مواجه شدیم. عملیات کربلای یک در تیرماه بود و گرمای عجیبی در منطقه حاکم بود. آب به بچه‌ها نرسیده بود و به ما اطلاع دادند که بعضی از رزمنده‌ها از تشنگی از حال رفته‌اند. زمانی که شهید کرمی من و شهید اسفندیاری را دید پرسید تشنه‌اید؟ پاسخ مثبت دادیم و ایشان گفت ما مقداری آب میوه داریم، برایتان می‌آورم تا رفع تشنگی کنید. بعد دو آبمیوه به ما داد. شهید اسفندیاری پرسید احمد جان خودت خورده‌ای؟ گفت حالا شما بخورید بعد به من هم می‌رسیم. ما آبمیوه‌ها را خوردیم و بعد متوجه شدیم که خود احمد تشنه است و با این وجود آبمیوه‌های خودش را به ما داده است.

■ **گریه فرمانده**

یک روایت دیگر را هم از مهدی کرمی برادر شهید برایتان تعریف می‌کنم. ایشان می‌گفت در عملیات کربلای یک من و تعدادی از دوستانم جوان بودیم و موقع پاتک عراقی‌ها نمی‌دانستیم چه کار کنیم. برادرم احمد متوجه این موضوع شد. یک روز که برای سرکشی پیش ما آمده بود، همان لحظه هواپیماهای دشمن حمله و مواضع ما را گلوله باران کردند. احمد برای اینکه به ما روحیه بدهد، رفت روی خاکریز و مسیر حرکت هواپیماها را با دوربین تعقیب کرد. بچه‌ها از نترسی او روحیه گرفتند و با شجاعت بیشتری به پاتک‌های دشمن پاسخ دادند اما همین احمد آقا که چنان شجاعتی داشت، بعد از آزادسازی مهران گریه کرد و از چشم‌هایش اشک جاری بود. یکی از بچه‌ها علتش را پرسید. متوجه شدیم یکی از دوستان احمد به نام علی‌اکبر اسفندیاری به شهادت رسیده است و شهید کرمی با اطلاع از شهادت دوستش، اینطور گریه می‌کند و برایش اشک می‌ریزد.

> شهید کرمی قرار بود در ایام به سفر حج مشرف شود اما چون حضور در جهاد را مقدم می‌دانست، از سفر حج انصراف داد و داوطلبانه به لبنان رفت. سپس به ایران بازگشت و مجدداً در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر شد

محمود احمدی همرزم شهید

■ **۱۱ سال مفقودالاثر**

مرداد ۱۳۶۵ در جبهه مهران، من و احمد روزها در یک سنگر بودیم شب‌ها برای شناسایی به خاک دشمن می‌رفتیم. یک منطقه شناسایی نشده وجود داشت که رفتن به آنجا با خطرات زیادی همراه بود. یک شب احمد گفت من می‌روم و آن منطقه را شناسایی می‌کنم ولی به شرطی که محمد ذوالقدر و محمود احمدی که خسته هستند، با من نیایند و دو نفر دیگر همراهی‌ام کنند. دو نیروی اطلاعات شناسایی را در اختیارش گذاشتند و احمد جلوتر از آن دو نفر راهی منطقه شد. این دو رزمنده بعدها تعریف کردند: «پس از شناسایی منطقه، هنگام برگشتن احمد گفت شما جلوتر بروید و خودش پشت سر ما آمد اما در یک جایی از مسیر ناگهان از حرکت ایستاد. گفتیم چرا نمی‌آیی؟ گفت شما بروید و خودتان را نجات بدهید. همان لحظه مینی منفجر شد و ترکش‌هایش به ما اصابت کرد. احمد که هنوز زنده بود مجدداً گفت شما بروید تا هم خودتان را نجات داده باشید و هم امدادگرها را خبر کنید. چون به شدت مجروح شده بود، نمی‌توانست همراه ما بیاید. ما برگشتیم و او در همان محل حادثه ماند.» محلی که احمد مجروح افتاده بود در منطقه‌ای خطرناک و زیر دید دشمن بود. با روشنایی هوا کسی جرئت رفتن به آن منطقه را نداشت و شب بعد هم که برای شناسایی به آن جا رفتند، او را نیافتند. احمد حدود ۱۱ سال در منطقه مهران مفقودالاثر ماند و پیکرش سال ۱۳۷۶ تفحص و شناسایی شد.

گزارش

سالروز انجام عملیات فتح۹ در ۱۸ مرداد ۱۳۶۶

ضربه به تأسیسات دشمن بعثی در عمق خاک عراق

■ غلامحسین بهبودی

در طول دفاع مقدس یکسری عملیات برون مرزی و کماندویی توسط رزمندگان انجام می‌گرفت که عمده این عملیات را قرارگاه رمضان هدایت می‌کرد. عملیات فتح ۹ در هجدهم مرداد ۱۳۶۶ یکی از همین عملیات کماندویی بود که در عمق خاک دشمن بعثی انجام گرفت و ضرباتی به او وارد کرد. مروری کوتاه بر عملیات برون مرزی کشورمان در دفاع مقدس را پیش‌رو دارید.

■ **قرارگاه رمضان**

بعد از آنکه جبهه جنوب به واسطه انجام عملیات رمضان و سپس فرو رفتن دشمن در لاک دفاعی تا حد زیادی قفل شد فرماندهان به این نتیجه رسیدند که با تأسیس یک قرارگاه برون مرزی، در عمق خاک دشمن به او ضربه بزنند و به این طریق تحرک را به جبهه‌های دفاع مقدس بازگردانند. ماه رمضان سال ۱۳۶۲ قرارگاه رمضان با فرماندهی سردار نقدی تشکیل شد که عمده فعالیت‌هایش در جبهه‌های شمال غرب و غرب کشور بود، چراکه طبق وظایف این قرارگاه، باید از پتانسیل نیروهای مردمی عراق خصوصاً اکراد معارض با حزب بعث استفاده می‌شد و با بهره‌گیری از قدرت این معارضان، به عمق دشمن نفوذ کرد و با او جنگید.

■ **سلسله عملیات فتح**

سلسله عملیات فتح که همگی برون مرزی بودند، با استفاده از نیروهای کماندویی سپاه و قرارگاه رمضان و همین طور کمک اکراد معارض با حکومت بعث، از اواسط ۱۳۶۵ در استان‌های شمالی عراق انجام شدند. بر همین اساس عملیات فتح یک در مهر ۶۵ به جهت ضربه زدن به تأسیسات نفتی عراق از جمله پالایشگاه نفت کرکوک انجام گرفت. فتح یک در عمق ۱۸۰ کیلومتری خاک دشمن بود و یک حرکت جسورانه و متهورانه به شمار می‌رفت. سپس به ترتیب سلسله عملیات فتح یکی پس از دیگری تا سال ۶۶ادامه پیدا کردند.

■ **سریع و پی‌درپی**

یکی از خصوصیات سلسله عملیات فتح این بود که به سرعت و با فاصله کمی از هم انجام می‌گرفتند. به عنوان نمونه عملیات فتح ۷ اوایل تیر ۱۳۶۶ در منطقه عمومی حلبچه انجام گرفت و سپس عملیات فتح ۸ اواخر همان ماه در موصل انجام شد، یعنی در عرض یک ماه دو عملیات برون مرزی ایران، استان‌های شمالی عراق را مورد حمله قرار دادند. سپس کمتر از یک ماه بعد و در هجدهم مرداد ۱۳۶۶، عملیات فتح۹ در منطقه عمومی خورمال (استان سلیمانیه) انجام گرفت.

■ **عملیات نصر**

وقتی نام سلسله عملیات فتح می‌آید، ناگزیر باید به سلسله عملیات نصر نیز اشاره کرد. مجموعه عملیات فتح را سپاه در عمق خاک عراق انجام می‌داد و سلسله عملیات نصر را هم ارتش جمهوری اسلامی ایران با هدف عقب راندن دشمن از مرزهای خودی در مناطق غرب و شمالغرب انجام می‌داد. شروع عملیات نصر از سوی ارتش مقارن با انجام عملیات فتح ۵ در فروردین ۱۳۶۶ بود. بعد از آن به ترتیب دیگر عملیات نصر همانند عملیات فتح با فاصله زمانی کم از یکدیگر انجام گرفتند. به عنوان نمونه عملیات نصر ۲، ۳ و ۴ جملگی در خرداد ۱۳۶۶ با فاصله زمانی کوتاه از یکدیگر انجام گرفتند. به شکل کلی عملیات محدود نصر به جهت ضربه زدن به نیروها و امکانات دشمن و همین طور تصرف نواحی و شهرهای مرزی دشمن در جبهه غرب و شمالغرب انجام می‌گرفتند.

■ **فتح۹**

فتح ۹ در تداوم عملیات چریکی نیروهای خودی در عمق خاک دشمن، به منظور انهدام پایگاه‌های ارتش بعث در مرداد ۶۶ انجام گرفت. رمز عملیات «یا رسول الله» بود و در منطقه عمومی خورمال استان سلیمانیه عراق انجام می‌گرفت.

در عملیات فتح۹ نیروهای قرارگاه رمضان همراه پیشمرگان کُرد در قالب یک نیروی واحد عمل کردند و موفق شدند دشمن را در ارتفاعات استراتژیک «خورنوزان» مشرف بر روستاهای «بان‌شار و بالانیه» منهدم و پایگاه‌های این مناطق را تصرف کنند. در این عملیات تلفات قابل توجهی به دشمن وارد شد و همچنین جاده آسفالته خورمال به سیدصادق که از طریق آن امور پشتیبانی خطوط مقدم قوای دشمن انجام می‌گرفت زیر دید و تیر مستقیم رزمندگان قرار گرفت.

> یکی از خصوصیات سلسله عملیات فتح این بود که به سرعت و با فاصله کمی از هم انجام می‌گرفتند. به عنوان نمونه عملیات فتح ۷ اوایل تیر ۱۳۶۶ در منطقه عمومی حلبچه انجام گرفت و سپس عملیات فتح ۸ اواخر همان ماه در موصل انجام شد

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۴۶

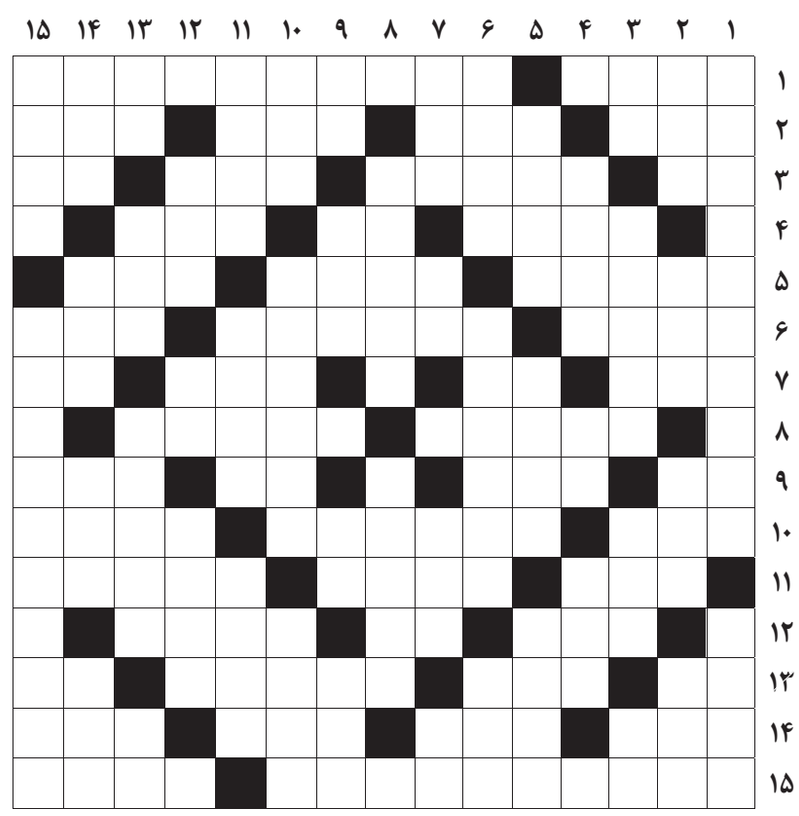

از راست به چپ

■ ۱- معراج مؤمن- لقب امام دوازدهم ■ ۲-... کسی گرو نه بودن کنایه از «درآمد کم و هزینه زیاد داشتن» است- مات- ساز عزا- حیا ■ ۳- نام نویسنده آوای وحش- سرزنش- مهمانی و بزم- بالای بدن ■ ۴- مرکب پیامبر اسلام در شب معراج- پایتخت ایتالیا- شتر ■ ۵- فرهنگ لغت فرانسوی- نقدش بهتر از حلوای نسیه است- در بیماری دیابت مقدارش در خون بالا می رود ■ ۶- نفت دریای شمال- اجداد- بوی گوشت و تخم‌مرغ گندیده ■ ۷- تیپا- جوی خون- بالاپوش- لخت ■ ۸- پایتخت تاریخ و تمدن ایران- تنها رود قابل کشتیرانی ایران ■ ۹- اندوه- از نمازهای واجب- الفبای موسیقی- برنج پخته ■ ۱۰- قوم آتیلا- سنگی گرانبها به رنگ آبی- امتحان نوشتنی ■ ۱۱- زور و فشار- دشواری و مرارت- خیال کننده ■ ۱۲- سستی و ناتوانی- نشانه جمع عربی- دریاچه الموت قزوین ■ ۱۳- باران اندک- از حروف یونانی- دیرنشین- موجودی فراطبیعی ■ ۱۴- پژواک- انگور سیاه- دشتی در ایران صدای گربه ■ ۱۵- از استان های کشورمان- زن خانه دار و کدبانو

از بالا به پایین

■ ۱- برادر قرآن- گستردگی ■ ۲- ظرف سقا- دیدنی شهر بم- از زیبایی‌های دریا- سپاس و حمد ■ ۳- اسب تبریزی- تیز- ضربان قلب- گشاده ■ ۴- جوانمردی- تکرار حرفی- هراس ■ ۵- اتاق درس- پشت سر هم- حکم فقیه ■ ۶- مهریه- فیلم عکاسی- از ضمایر اشاره ■ ۷- باغ دیدنی شیراز – ماه کامل- حرام اقتصادی- مکمل ماده ■ ۸- جنگ چین و انگلیس- آمد و شد پیاپی ■ ۹- کافی- فرشته- نگاه خیره- میوه نماد راحتی انجام کار ■ ۱۰- خو گرفتن- سوبسید- پدر ■ ۱۱- یکدنده- کمیابی- زمین بدون کشت ■ ۱۲- آخرین نفس- وی- پارچه ابریشمی ■ ۱۳- نوعی رنگ مو- عدسی- هشتمین سیاره منظومه شمسی- از ماه‌های فرنگی ■ ۱۴- رود مرزی- سوره انسان- کناره- کیسه شلوار ■ ۱۵- عدد تلاش دانش آموز- معروف‌ترین منظومه مولانا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۴	۵	۳	۷	
۹		۶						
				۷		۸		
	۲		۵		۶			
		۵				۴	۸	۶
	۳	۷				۱		
۳					۹			
			۲				۵	۴
	۵	۸						

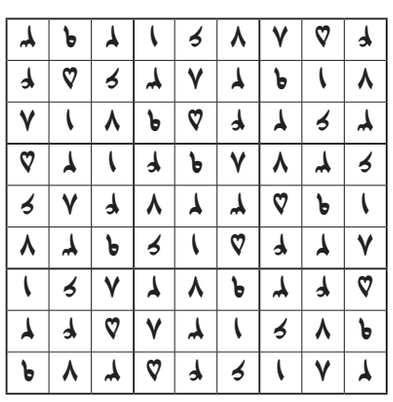

جدول کلمات متقاطع
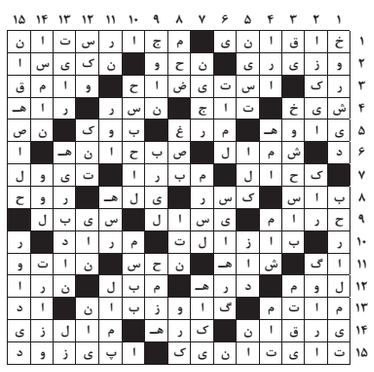
پاسخ جدول شماره ۶۵۴۵